

بسمه تعالی

## نهضت آزادی ایران

تأسیس ۱۳۴۰

۲۲ بهمن ۱۳۶۷

### بیانیه تحلیلی

#### تجربه دهساله انقلاب اسلامی ایران

و تلك الايام نداولها بين الناس و ليعلم الله الذين

امنوا و يتخذمنكم شهداء والله لا يحب الظالمين.<sup>۱</sup>

شکر خدای حی حکیم را به جا می‌آوریم که ملت ایران را با همه خطرات و ضایعات به دهمین سالگرد انقلاب پیروزمند خود رسانید و هنوز رمق و امیدی وجود دارد که ملت ایران با رهبری او به راه راست و همت و فداکاری خود بر عوامل اهریمنی نیستی و نادانی چیره گشته گامهای رسا در راستای سلامت و سعادت دنیا و آخرت خود و سایر ملتها بردارد.

ده سال تمام است که از پیروزی درخشان آخرین انقلاب ما موسوم به "انقلاب اسلامی ایران" می‌گذرد. ده سال تمام با اوج و حضيض‌های فراوان و شاید بزرگترین آزمایش یا ابتلای تاریخی ایران که در خم اول کوچه آن هستیم، انقلابی با پیروزیها و حماسه‌ها، با خدمات و دستاوردها و با تغییر و تحولات و همچنین با انحرافها و اشتباهات، امیدها و فریبه‌ها، آزارها و صدمات، خطاها و جنایتها و از جمله خونها و خرابیها... در مجموع تجربه‌ها و درسها و سرمایه‌ها برای گامهای آینده و زندگی در جهان پیش رونده. اگر برای نسل حاضر ایران این انقلاب تازگی داشته و ما را به تعجب و تحسین یا تأثر انداخته باشد، دگرگونی و انقلاب در تاریخ ملت خودمان و در جوامع دنیا مخصوصاً در قرون جدید و ملت‌های پیشرفته جهان، امری است جاری و عادی، بر طبق سنت الهی، بیشتر در جهت تکامل و تحرک تا در جهت بدبختی و توقف.

هدفداران پاک ساخته و شناخته می‌شوند و برجستگان فداکار الگو می‌دهند، نابکاران و نارواها نیز شناخته می‌شوند و در هر حال رستگار و کامروا نخواهند شد.

این مسئله که سرانجام کار یا سرنوشت ما چه خواهد شد، پاسخ آن بستگی به خودمان دارد و به برداشتی که از انقلاب و پیامدهای آن بنمائیم.

باید از خودمان و از خدا بخواهیم که اهل حرکت باشیم. حرکت راست به سوی خدا و تعالی، برای بقا و بهتری و سعادت جاودانی.

#### جشن‌های دولتی

به مناسبت دهساله انقلاب و در "دهه فجر" دولت، با قامت استوار یکه‌تاز و با احساس بی‌نیازی از ملت برای خودش جشن می‌گیرد. جشن مفصل و جشن مجلل، با سنگ تمام و بسیج همه چیز و همگان و بیدریغ از خرج و تلفات همانطور که شاه در بیست و چند سال پیش جشن ۲۵۰۰ ساله گرفت، تا با افتخارات و

---

<sup>۱</sup> آل عمران ۱۴۰- چنین ایام و روزگار را بین مردم معمول و متداول می‌گردانیم تا خدا کسانی را که ایمان دارند بشناسد (با مومنین واقعی خود را بشناسانند) و از میان شما گواه و الگو بگیرد و خداوند ظالمها را دوست ندارد.

تبلیغات و با پذیرائیها و نمایشات چشم جهانیان را خیره کرده بقا و رونق به حکومتش دهد. حاکمیت حق دارد جشن بگیرد. انسان در زندگی احتیاج دارد که گاهی با سیلی صورتش را سرخ کند. ملت ایران نیز با آن همه سرمایه‌گذارها و ایثار و فداکاریها، بعد از غلط در آمدن حسابها و وعده‌ها و فروریختن پیروزیها و امیدها، نیاز به دمیدن روح امید و حرکت برای وحدت و قدرت، تقویت روحیه‌ها و دستها، بازیابی ارزشها و راهیابی و برنامه‌ریزی‌ها دارد.

در تاریخ روم قدیم نوشته‌اند که وقتی سردار رومی (شاید به نام کارتن) شکست شدیدی در پشت دروازه‌های روم از هانیبال سردار نامی کارتاژ خورد و با سرشکستگی به روم برگشت مردم شهر به سرکردگی کنسول (مثلا شهردار یا حاکم انتخابی) به استقبال او رفتند و تبریکش گفتند. همین استقبال و تلقین امید و اعتماد باعث شد که در نبرد بعدی، هانیبال با آرتش پیروز مزدور خود و با همه فیل‌ها و حیل‌ها که داشت از دروازه‌های رم به دیوارهای کارتاژ در آن طرف دریای مدیترانه عقب زده شود. ولی کارتن دستور یا شعار نداده و خواسته بود که به استقبال او بروند و تجدید بیعت یا چراغانی و سخنرانی کنند، مردم رم بودند که چون به خواسته آنها و برای دفاع از خانه و خاکشان به جنگ دشمن نیرومند رفته و شکست خورده بود ابراز وحدت و القای قدرت نمودند.

حاکمیت ما الحمدلله تبلیغ و تجمع و تحمیل خوب بلدند ولی در توبه و تحبیب و در بازگشت به خدا و ملت و در ادای امانت کمیته‌شان خیلی لنگ است و تا چنین باشد "این قافله نیز تا به آخر لنگ است". منظره شبهای سرد پرنور و بیروح دهه فجر تهران نمایش زنده‌ای از عدم همکاری و بلکه بیگانگی دولت و ملت بود. ساختمانهای انحصاراً دولتی یا اسماً ملی سراپا روشن و رنگارنگ که حتی تا پاسی از طلوع آفتاب گذشته، متصل به برق بود لبخند غم‌انگیزی به کوچه و خیابانهای خالی نشان می‌داد که نه پرنده‌ای در آنجاها پر می‌زد و نه پیاده‌ای برای شرکت در شادی یا لااقل تماشا و تلقین می‌آمد.

در این تظاهرات و تشریفات پر بانگ و رنگ البته نمایشهای فراوان و جالب از همه جا و همه چیز بود: از زر و زور زمان شاه تا رفتن بدون برگشت او، راه‌پیمائیهای عظیم و شعارهای خود جوش مردم با ورود امام، تصرف مملکت و انتصاب دولت موقت، حرکت انقلابی و هیجانهای ضد آمریکائی، ایستادگی و ایثار و شهادت با بیرون کردن صدام از سرزمین ایران، ضربات و پایدارها، حملات و پیشرفت‌ها با حماسه‌ها و شعارها، خدمات و دستاوردها، در افتادن با امپریالیسم و ابرقدرتها... باز هم راهپیمائی، باز هم لبیک، باز هم شعار و باز هم تبلیغات... اما در تمام این جشنها و نمایشها یک روی سکه نشان داده می‌شد آن رویی که خودشان خواسته و کشیده بودند.

چیزی که قرار بر ارائه و اقرارش نبود چهره کامل واقعیات و نظریات بود و پهلوی هم گذاردن حقیقت‌جویانه و مصلحت‌اندیشانه روشنیها و تاریکی‌ها، خدمات و صدمات، صداقتها و خیانتها، خنده‌ها و گریه‌ها، پیروزیها و شکست‌ها، درآمدها و خرج‌ها، تبلیغات و انتقادهای مثبت و منفی دستاوردها، فریادهای دولت حاکم و ناله‌های ملت محکوم و بالاخره آخر و عاقبت کارها که گفته‌اند شاهنامه آخرش خوش است.<sup>۱</sup> همه اینها برای آنکه تجزیه و تحلیل و تقلیل درست از این تجربه ارزنده دهساله انقلاب و نظام به عمل

---

<sup>۱</sup> خوشبختانه در این زمینه آیت الله منتظری در سخنرانی ۲۲ بهمن خود در قم گفته بودند "باید به جای افتخار به گذشته و شعار دادن در فکر جبران خطاهای گذشته بود".

آید. بیطرفانه و با دل و دیده روشن ببینیم چه کرده‌ایم، به چه رسیده‌ایم و چه باید بکنیم. هم خدمتی به ملت و مملکت یعنی به خودمان بکنیم و هم خدمتی به تاریخ و به بشریت و آینده جهان. بدیهی است که انتظار چنین کار ناهموار که در خط و خیال حاکمیت ما ننگجیده است نمی‌رفت. آنها پیش از هر چیز می‌بایستی به فکر خودشان البته به نام و بهانه خدمتگزاری اسلام و مختصری هم ایران باشند.

### اما سنت و وظیفه نهضت

همانطور که می‌دانید سنت یا خواسته همه ساله نهضت ایراد لااقل یک سخنرانی (در محیط محدود و مرعوب) و انتشار یک اعلامیه یا جزوه به مناسبت سالگردهای پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن بوده است. امسال هم نهضت آزادی ایران وظیفه خود می‌دانست تا آنجا که بدانیم و بتوانیم نگاه عقبگردی به سال پایان یافته و به سالهای گذشته انقلاب انداخته، رویدادها و رفتارها و دستاوردها را ببینیم و بگوئیم و دریافت درس و دستوری برای ملت و دولت بنمائیم. بگوئیم و بنویسیم و کتک و ناسزایش را نوش جان کنیم.<sup>۱</sup>

البته غرض ما پیش از آنکه ایرادگیری و ناله‌سرایي باشد تحلیل واقعیتها و چاره‌جویی کارها برای امید یافتن و حرکت کردن است و با ارزیابی از گذشته نشود آینده‌سازی میسر نیست و پیش از آنکه توجه معطوف به اشخاص و گروهها و کوبیدن این و آن یا کودتاهای پی در پی شود لازم است به عمق ریشه‌ها و عوامل نظر داشته باشیم تا اصلاح و انقلاب به مصداق ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم اصولی و اساسی باشد.

اما امسال که ۱۳۶۷ است همانطور که "داخله و خارجه" می‌دانند علیرغم هیاهوی اخیر آزادی احزاب و افکار و افراد، دفتر و دستک نهضت (و جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران) را گرفته‌اند. دست و پا و همچنین قلم و زبان ما را بسته‌اند، عزیزان فعالان را که هریک به گونه‌ای و جزئی از پایه‌های پیروزی انقلاب و نظام و از نمونه‌های فعالیت و صداقت هستند به زنجیر کشیده بودند قصد محاکمه و محکومیت بلند مدت آنها را داشتند. (به اتهام جاسوسی یا دزدی و ناپاکی!) بالا سر سایرین نیز ساطور ارباب و احضار و آزار و ... آویخته‌اند تا مگر تن به خیانت یا ترک خدمت بدهند.<sup>۲</sup>

معذک نتوانستیم خود را راضی کرده هیچ کاری انجام ندهیم یعنی آن کاری را که دولت نه می‌خواهد و نه می‌تواند انجام دهد. ولی ملت نیاز فراوان به آن دارد.

با امید و توکل به خدا گفتیم دست به کار بشویم. هر اندازه هم که بشود خوب است. اگر چه ناقص و ناجور باشد و بطور کامل و رسا تا روز ۲۲ بهمن آماده تقدیم نگردیده تفصیل و تکمیل آن به آخر سال و اوائل سال آینده موکول شود.

در نظر گرفته شد گزارش تجربه دهساله یا اولین تابلوی تاریخ انقلاب را به صورت مجموعه ذیل که بدست خودمان و دوستان باید تهیه گردد (و از هر صاحب نظر صاحب قلم دعوت به راهنمایی و همکاری می‌نماییم) تقدیم هموطنان شرافتمند و پژوهشگران ارجمند بنمائیم.

<sup>۱</sup> و بعد همه جا بگویند که در جمهوری اسلامی ایران آزادی وجود دارد!  
<sup>۲</sup> خوشبختانه در بند شدگان نهضت در شب ۲۲ بهمن آزاد شدند.

پیشگفتار و کلیات - پیش‌درآمد تاریخی یا تداوم و تحولات انقلاب - دوره‌ها و دستاوردها - مدیریت کشور - صدور انقلاب و روابط متقابل انقلاب و اسلام در ایران و جهان - اقتصاد ده‌ساله - زیر و بم‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران - جنگ هشت ساله - جامعه سیاسی و روانشناسی انقلاب - تحول اندیشه‌های سیاسی و ارزشها - سرگذشت و سرنوشت آزادی، حاکمیت ملی و قانون اساسی - قضا و قضاوت در جمهوری اسلامی - سرگذشت و سرنوشت نیروهای نظامی و انتظامی . . . از آنجا که چنین مجموعه با همه اختصار و احتمال که به ناچار پذیرفته می‌شود، در مدت کوتاه فراهم نخواهد گشت مجبور شدیم (مانند نشریه ولایت مطلقه فقیه فروردین ماه گذشته) در دو مرحله یا دو وهله عمل بنمائیم. فعلاً یک "خلاصه نمونه و نتیجه‌گیری" از آنچه در نظر است و آغاز نموده‌ایم، منتشر سازیم و بعداً بر حسب توان و تولیدمان یک مجموعه کار شده و حتی‌المقدور درست و دقیق انشاءالله تعالی بیرون دهیم.

## نظر عمومی و کلیات

### رویش انقلاب و ریشه‌ها و رهبری آن

اگر از حضرات بپرسیم خواهند گفت که انقلاب در ۱۵ خرداد ۴۲ در بازار تهران روئیده ریشه‌های آن اسلام و روحانیت است که ملازم و مساوی یکدیگرند. در ۲۲ بهمن ۵۷ به پیروزی رسید و رهبری آنرا از ابتدا تا انتها حضرت آیت‌الله‌العظمی خمینی داشته‌اند و بعدها نیز با ولایت مطلقه فقیه است. خوب می‌دانیم که در عالم طبیعت و حیات هیچ حالت و حرکتی پیدایش و رویش آنی ندارد که بدون مقدمه و رابطه و طی مراحل طولانی تکامل و تشکل باشد. خصوصاً در عالم انسان و اجتماعات انسانی که پیچیده‌ترین پدیده زندگان است.

بلی، انقلاب اسلامی ایران به صورتی که در ۱۵ خرداد ۴۲ با رنگ روحانی بازاری وارد و سوار بر مبارزات ملی - توده‌ای بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ علیه شاه، شد و ده سال پیش به پیروزی رسید، رهبری آنرا حقاً و عملاً آیت‌الله‌العظمی خمینی داشته‌اند و این رهبری و حاکمیت را در تداوم و تحولات بعدی و در نظام جمهوری اسلامی در دست خود نگاهداشته‌اند.<sup>۱</sup>

البته اگر خواسته باشیم ریشه‌های عمیق انقلاب و مبارزات استقلال‌طلبانه و آزادیخواهانه ایران را که انقلاب ۵۷ وارث آن بوده است بیابیم باید از نهضت مقاومت ملی علیه کودتای انگلیسی - آمریکایی "شاه - زاهدی" عقبتر رفته شاخص و مبدأ حرکت را در نهضت ملی شدن نفت به رهبری دکتر مصدق و پشتیبانی آیت‌الله کاشانی نصب نمائیم که یک مبارزه موفق ضد استیلای خارجی بود و استبداد داخلی تقویت شده از خارج با بازگشت به صحنه و واژگون کردن مبارزه، نقش دیرینه و بنیادی خود را آشکار ساخت. اما خود آن نهضت واکنش زاییده شده از مظالم رضاشاه و سلطه انگلستان بود و پیوستگی زمانی - مکانی با جنبش عدالتخواهی مشروطیت و با ثمره آن که قانون اساسی سابق و آزادی و حاکمیت ملی بوده است و با قیام تنباکو داشت.

<sup>۱</sup> طی همین دوران بعد از ۱۵ خرداد تا بهمن ۵۷ نقش نیروهای مبارز و انقلابی و مسلمان نظیر مجاهدین اولیه و حرکت شریعتی‌ها و سایر نیروها را در شکستن طلسم قدرت جهانی ساواک و جهت فکری دادن به جوانان مسلمان روشن‌فکر نمی‌توان نادیده گرفت.

اگر چه مبارزه با استبداد داخلی و استیلاي خارجی ریشه و سابقه طولانی در تاریخ کشورمان دارد اما قیام تنباکو و جنبش مشروطیت و آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی یا حاکمیت قانون را که حاوی دو محور ضد استبداد و ضد استعمار در دوران جدید بود، مردم ایران و سایر مسلمانان و ملت‌های شرق از اروپا و علیه مطامع خود آنها آموخته بودند.

بنابراین ریشه اصلی و اولیه انقلاب اسلامی ایران را باید در تماس با تمدن جدید و تهاجم فرهنگ و سیاست غرب در سه چهار قرن قبل بدانیم که با برتری خود همه فرهنگ و آئین و هستی ما را تهدید می‌کرد. مشرق زمین به خواب رفته مانند هر موجود زنده در اثر تهدید به مرگ به جنبش و تلاش افتاد. (که هنوز به پابان و کامرانی نهایی نرسیده است) و جان تازه گرفت.

### دوره‌های چهارگانه انقلاب

دوره دهساله حاضر را که در حساب عمر افراد و با توجه به تلاطم‌های آن، زمانی طولانی بوده است ولی در برابر تاریخ کشور کهنسال ما و تحولات جهان برهه‌ای بیش نیست، می‌توانیم به چهار دوره متمایز ذیل تقسیم نمائیم:

- ۱- دوره انتقال (از نظام شاهنشاهی به نظام جمهوری) اندکی پیش از ۵۷/۱۱/۲۲ تا ۵۸/۸/۱۵ (نه ماه)
- ۲- دوره جنبش و تداوم (از حالت همگانی اولیه به حالت طبقاتی - روحانی ضد روشنفکری) از ۵۸/۸/۱۵ تا ۶۳/۳/۷ (۴ سال و ۸ ماه)
- ۳- دوره اختناق و انحصار (اختناق آزادی و انحصار قدرت) از ۶۳/۳/۷ تا ۶۷/۴/۲۷ (۴ سال و ۲ ماه)
- ۴- دوره صلح و بازسازی (صلح با عراق و ابرقدرتها و وعده بازسازی و سازندگی) از ۶۷/۴/۲۷ تا ۶۷/۱۱/۲۲ (۷ ماه)

### ۱- دوره انتقال

این دوره با انتصاب و اداره کشور به دست دولت موقت انطباق دارد و رویدادهای عمده آن چنین خلاصه می‌شود:

تشکیل شورای انقلاب (که قبلاً صورت گرفته بوده است) - صدور فرمان نخست وزیری مهندس بازرگان از طرف آقای خمینی، تسلیم دولت و مراکز نظامی و انتظامی (۵۷/۱۱/۲۲) - اعلام برنامه و مأموریت دولت موقت در دانشگاه تهران - تشکیل و معرفی تدریجی وزیران دولت موقت و تصرف مسالمت‌آمیز وزارتخانه‌ها و ادارات - تشکیل کمیته‌های انقلاب رفراندوم جمهوری اسلامی - ترور آیت‌الله مطهری - وقایع کردستان و ماجرای پاوه - ترور تیمسار قرنی رئیس ستاد ارتش - تأسیس سپاه انقلاب - تأسیس جهاد سازندگی - انتخابات و تشکیل مجلس خبرگان برای بررسی قانون اساسی - وقایع گنبد و تجاوز و تصرفات تحریک‌آمیز و مسلحانه مناطق شمال در رابطه با شوروی - دخالت‌های خودسرانه کمیته‌ها در کار دولت - وقایع خوزستان و تحریکات تجزیه‌طلبانه گروه‌های کمونیست عراقی - اخلال و خودسری‌های افراد و گروه‌های تندروی داخلی در همکاری با لیبی - فوت آیت‌الله طالقانی بعد از کناره‌گیری و ربوده شدن یکی از فرزندانشان - تجاوزات ایزدائی عراق و حملات هوایی موضعی از کردستان و

پوزشخواهی دیپلماتیک - آخرین هشدار استعفاء و ضرب‌الاجل دولت موقت علیه دخالتها و تعدد مراکز تصمیم‌گیری همراه با پیشنهاد یک‌کاسه کردن دولت و شورای انقلاب در زیر مدیریت و مسئولیت رهبری انقلاب - مسافرت نخست‌وزیر و وزرای خارجه و دفاع به الجزایر برای مشارکت در جشن بیست و پنجمین سالگرد انقلاب و ملاقاتی که به منظور مطالبه تسلیحات خریداری شده سابق ایران با رئیس شورای امنیت ملی آمریکا به عمل آمد - استعفای دولت موقت - فرمان دولت شورای انقلاب از طرف امام (ادغام شورای انقلاب و دولت).

## ۲- دوره جنبش و تداوم انقلاب

انقلاب اسلامی ایران، در چهره تحرک مردم و تلاطم اوضاع، پدیده‌ای نبود که با رفتن شاه و آمدن رهبر انقلاب و پس از فراندوم تبدیل نظام شاهنشاهی به جمهوری اسلامی به آخر رسیده باشد. تبلیغات و تظاهرات و شعارها از طرف بعضی از اشخاص و گروههای تندروی مارکسیست و مسلمان در جهت تفهیم و تحمیل مکتب و مقاصد خودشان، از ماههای اول دولت موقت آغاز گردیده مسلماً ادامه و توسعه می‌یافت. متولیان روحانی انقلاب و حزب‌اللهی‌های تابع یا محرک آنها نیز تا حدودی تداوم و تشدید انقلاب را به منظور انحراف آن از صفت اولیه و عام ملی - اسلامی به صفت خاص فقهاتی - روحانی تأیید می‌نمودند و از اینکه چپ‌روها و تندروها سبب تضعیف و اخراج جناحهای غیر خودشان شود ناراضی نبودند.

تندروهای تشنهٔ تشنج و انتقام یا انحراف از انقلاب، عجله داشتند که قبل از تصویب قانون اساسی و تشکیل مجلس نمایندگان اکثریت ملت تا تنور انقلاب داغ است، با جوسازی و جنجال، نان خود را بپزند. روحانیت تصمیم گرفت با همکاری جوانان افراطی و با شیوه‌های غیر اسلامی بعضاً مارکسیستی، نیروی پر خروش فداکار را به سوی خود جلب نماید و سپس با پس زدن هر دو جناح ملی و مارکسیست حاکمیت خود را تثبیت نماید.

تحت عنوان تداوم و تصفیه یا تخلیص انقلاب، شعارهای داغ و موجهای تخاصم و تخریب رواج یافت. اوج این تداوم و تخاصم در تحریکات از پیش تنظیم شده در ماههای شهریور و مهر ۵۸، با حمله به سفارت آمریکا و تصرف "لانه جاسوسی" و گروگانگیری، نمایان گردید. سیاست یا آرمان جدیدی به نام "انقلاب دوم" وارد در انقلاب اسلامی بهمن ماه ۵۷ گردید.

زیر و زیر شدن‌ها و رویدادهای عمده این دوره را به شرح زیر می‌توان ردیف کرد:

حمله به سفارت آمریکا و گروگانگیری، تجدید تشکیلات شورای انقلاب، فراندوم قانون اساسی، قطع رابطه و تهدیدهای آمریکا و تشنج‌های جو سیاسی و بین‌المللی، محاصره اقتصادی ایران از طرف آمریکا، انتخاب بنی‌صدر به عنوان اولین رئیس جمهوری، انتخاب و تشکیل اولین مجلس شورای اسلامی به ریاست مستمر آقای هاشمی رفسنجانی، انقلاب فرهنگی و بسته شدن دانشگاهها، واقعه طبس و اقدام نظامی رسوای آمریکا علیه ایران، اختلافات رئیس جمهور با حزب حاکم، انتخاب آقای رجائی اولین نخست‌وزیر بعد از مجلس، حمله به فرودگاه مهرآباد تهران و آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تشکل ستاد جنگهای نامنظم به ابتکار و همت مرحوم دکتر چمران و آغاز جنگهای چریکی علیه دشمن متجاوز، بسیج نیروهای نظامی و مردمی برای دفاع از انقلاب اسلامی همراه با منتهای شهادت و فداکاری و شهادت، آزادی

گروگانهای آمریکائی به بهای موافقتنامه زیانبار الجزائر، محسوس شدن افزایش تورم و نارضایتیهای مردم، تنزل بهای فروش نفت، تشدید اختلافات حزب حاکم با مجاهدین خلق و گروههای چپ، واقعه ۱۴ اسفند و حاد شدن اختلافات با رئیس جمهوری منتخب، بسته شدن روزنامه‌های غیر موافق یا آغاز اختناق، محکومیت و عزل بنی صدر از ریاست جمهوری، درگیریهای ۳۰ خرداد همراه با محکومیت عملی و ممنوعیت سازمان مجاهدین خلق و جبهه ملی، آغاز موج ترور و انفجار از طرف مجاهدین و مدعیان و اعدامهای دولتی از طرف دیگر، واقعه اسفبار ۷ تیر یا انفجار در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی با مرگ تعداد کثیری از نمایندگان و وزیران و رهبر و اعضای حزب جمهوری، انتخاب آقای رجائی به ریاست جمهوری و نخست وزیری آقای دکتر باهنر، انفجار نخست وزیری به دست عوامل نفوذی که باعث مرگ رئیس جمهور و نخست وزیر و رئیس شهربانی گردید. نخست وزیری آقای مهدوی کنی - سومین دوره انتخابات ریاست جمهوری و برگزیده شدن آقای خامنه‌ای، آغاز پیروزیهای بزرگ نظامی ایران و شکست حصر آبادان - فتح خرمشهر - انتخاب دومین دوره مجلس شورای اسلامی.

بدین ترتیب پس از گذشت یکسال از انقلاب ایران که حالت ملی و وحدت ضد استبدادی مخالف با هرگونه استیلائی خارجی داشت و اهداف اصلی آن عدالت و آبادی و استقلال و ترقی ایران در سایه آزادی و حاکمیت ملی بر وفق اصول عالیه اسلام بود تغییر صورت و ماهیت داد.

### ۳- دوره اختناق و انحصار

دوره دوم با همه زیر و زبر شدن‌ها، بحرانها و درگیریهای حاد، با در دست داشتن ریاست و اکثریت مجلس و با تعویض و تعیین دو رییس جمهور و سه نخست وزیر، یک ابتلای سرنوشت ساز و دوره آموزنده و سازنده برای روحانیت تشیع ایران، در جهت تجربه حکومت و تصرف قدرت بود. نهادهای انقلاب تنظیم و تثبیت شدند، مواضع کلیدی در اختیار گرفته شد، تداوم انقلاب و جنجالهای مخالفین مهار گردید و بالاخره روحانیت با پشتیبانی و حمایت کامل رهبر انقلاب سر و سامان مطلوب یافته، اسلام "فقهاتی - انقلابی" مورد نظرشان، لاقلاً در داخله کشور، فاتح و اجرا گردید. جبهه جنگ از تزلزل و ترس اولیه و تنازع سپاه با ارتش تقریباً خارج گردیده آمادگی قشرهای شهادت و ایثارطلب همراه با مهارت و مدیریتی که سپاه به دست آورده بود و تبلیغات نافذی که به عمل می‌آمد نوید پیشرفتهای بیشتر برای "پیروزی اسلام" و "سرنوونی کفر" را می‌داد.

در ماههای آخر دوره دوم با خیال نسبتاً راحت انتخابات دومین دوره مجلس شورای اسلامی در شرایط دلخواه و کنترل نسبی برای جلوگیری از ورود "نااهلان" انجام گرفت و با افتتاح مجلس دوم، دوره انحصار و اختناق که از پر بارترین دوره‌های دهساله انقلاب برای حاکمیت به شمار می‌رود، آغاز گردید.

در این دوره محیط کشور تقریباً از وجود یا ابراز وجود مخالف و مانع، پاکسازی شده بود و هئیت حاکمه می‌توانست با کمترین اشکال و دردسر برنامه‌های داخلی لازم را به اجرا درآورد.

نهضت آزادی ایران که مستثنی از برنامه عمومی طرد یا تعطیل نبود توانست به فضل خدا و با اتخاذ سیاست صبر و تلاش برای ادای وظیفه اسلامی و ملی دفاع از آزادی و استقلال و سایر آرمانهای اولیه انقلاب به مقاومت خود ادامه دهد. از یک آزادی محدود ضعیف و امکان فعالیت مشروط خفیف برخوردار

بود درحالی‌که به کرات مورد تهاجم و ضرب و شتم عناصر مأمور غیر مسئول قرار می‌گرفت.

اوج و حضيض جریانهای اصلی این دوره را می‌توان فهرست‌وار چنین بیان کرد:

افتتاح مجلس شورای اسلامی دوم خالی از اغیار، اولویت دادن به جنگ به خرج تخفیف یا تعطیل تولید و سایر ضروریات و برنامه‌ها، توسعه بسیج ارتش ۲۰ میلیونی، ادامه صدور انقلاب از راه تحرک و تحمیل، حوادث لبنان، کشف کودتا در بحرین، تقویت صنایع نظامی و تولید تسلیحات و سلاحهای ساده، پیشرویهای استراتژیک در ارتفاعات غربی، نفوذ در خاک عراق، انتخابات و تشکیل مجلس خبرگان، تهدید بغداد و فتح جزایر مجنون، استفاده وسیع عراق از سلاحهای شیمیائی، توجه به روابط دیپلماتیک با کشورهای جهان و ممالک غربی، انتخاب آیت‌الله منتظری به جانشینی رهبر انقلاب توسط مجلس خبرگان، آغاز تضییقات جدید علیه نهضت آزادی، چهارمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، فتح فاو و کمبودهای ارزی و رواج بلامانع بازار آزاد همراه با تنزل دائمی ارزش ریال، پیام برائت رهبر انقلاب به زائران مکه، سقوط ناگهانی بهای نفت، حمله به بصره در طی عملیات کربلای ۴ و ۵، آغاز دومین دوره بمباران شهرها، انحلال حزب جمهوری، ورود ناوگان آمریکا به خلیج فارس و تشدید جنگ خلیج فارس و حمله به نفتکشها، تصویب قطعنامه ۵۹۸، پیام برائت دوم رهبر انقلاب به زائرین مکه و فاجعه مکه که منجر به تیرگی شدید روابط ایران با عربستان سعودی شد، فاصله گرفتن کشورهای عربی از ایران، سفر آقای خامنه‌ای به نیویورک و نطق ستیزه‌گرانه و تحقیرآمیز در شورای امنیت، اعلام وجود خلق‌الساعه شورای عالی پشتیبانی جنگ و طرح ۶ ماهه بسیج دانشجویان و اخذ کمکهای الزامی از مردم، تشدید ناهماهنگی میان دولت موسوی با مجلس و رئیس‌جمهور و تداوم دولت در اثر پشتیبانی رهبر انقلاب از نخست‌وزیر، افزایش فعالیتهای دیپلماتیک ایران در رابطه با جنگ، آغاز دور سوم جنگ شهرها بوسیله موشک، تجزیه روحانیت مبارز و تشکیل جناح تندرو "مترقی" روحانیون مبارز به رهبری آیت‌الله کروبی، انتخاب سومین دوره مجلس شورای اسلامی به سود جناح رادیکال و روحانیون، شکستها و عقب‌نشینی‌های پی‌درپی ارتش و سپاه، تعطیل زیارت حج در سال ۶۷، تفاهم و توافق دو ابر قدرت از جمله درباره جنگ ایران و عراق، بهبود روابط ایران با کشورهای غربی، کانادا و فرانسه و انگلیس. حمله گسترده وزارت اطلاعات و دادستانی انقلاب به جمعیت و نهضت، سقوط هواپیمای مسافربری ایران توسط ناوگان آمریکا.

#### ۴- دوره صلح و بازسازی

در پایان دوره سوم، با خستگی و فرسودگی طبیعی و اعتراضها و ضعف و فتوری که رفته رفته در روحیه و نیروی رزمندگان رخنه کرده بود و مخفی می‌داشتند، با افزایش برتری نظامی محسوس عراق و با تصمیم مشترک ابرقدرتها درباره عراق و ایران و افغانستان و با شکستهای پی در پی شلمچه و مجنون و فاو، کار به جایی رسید که دولت ایران از زبان جانشینی فرماندهی کل انقلاب و شخص رهبری انقلاب قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را اعلام کرد. بهت و حسرت یا سردرگمی همگان از فرو ریختن ناگهانی کاخ کبریائی انقلاب روحانی ایران و پوچ درآمدن همه وعده و وعیدها و حسابها و ادعاها، غیرقابل توصیف بود! قدرت تبلیغاتی مانع از آن شد که خود دستگاه فرو ریزد. برای اثبات وجود و ادامه حاکمیت، ندای بازسازی برای ترمیم خرابیها و جبران خطاها، در داده شد و برنامه سازندگی و خودکفائی را که



می‌بایستی از سال اول تعقیب کرده باشند، پیش گرفتند. البته با زمینه و دست خالی و بدون آنکه (ظاهراً) ضرورتی برای بازگشت به ملت و به آرمانهای انقلاب احساس نموده تغییر زیادی در برخوردها و برنامه‌ها بدهند. به لحاظ سیاست خارجی، جناح رادیکال حاکمیت به مخالفت قاطعانه و خصمانه خود خصوصاً برای استقرای و همکاری اقتصادی ادامه داده و جناح معتدل مقابله زبانی نمی‌نماید. آمد و رفت‌های دیپلماتیک و گفتگوهای همکاری اقتصادی محتاجانه دوستانه روزبروز بیشتر به چشم می‌خورد. ضمناً هم گرانی زندگی و بحران اقتصادی داخلی روند تصاعدی شدیدتر پیدا کرده است و هم آمادگی تسلیم کامل عراق به قطعنامه شورای امنیت ضعیفتر گردیده به نظر می‌آید که حالت نه جنگ نه صلح و ناپایداری شرایط سیاسی ادامه داشته باشد.

برخلاف شادی و امیدواری کوتاه مدت بعد از اعلام قطعنامه، حالت نگرانی و بی‌خبری و وحشت از آینده پیش از اواخر جنگ شده است. هیئت حاکمه ضمن آنکه سعی دارند علیرغم میل درونی روزنه‌هایی را به سوی آزادی و تفاهم باز نمایند با توسل به تصمیم‌های غیرمنطقی و اصولی و فشار آوردن روی تبلیغات و ترمیم‌ها عدم استحکام و اعتماد خود را نشان می‌دهند.

از خطوط اصلی و عملیاتی این دوره در حال تشکل مراتب ذیل را می‌توان بیان کرد:

اعلام قبول اضطراری قطعنامه ۵۹۸ از طرف آقای هاشمی رفسنجانی و بیانات تأثرانگیز بعدی رهبر انقلاب - دعوت آقای منتظری از مردم برای راهپیمائی تجدید بیعت با امام - خطبه‌ها و فرمانها و اعلامیه‌های بازسازی و سازندگی - حمله عراق و مجاهدین خلق به داخل ایران علیرغم آتش‌بس - شکست قاطع مجاهدین - آغاز فصل جدیدی از اعدامهای انبوه - اعتراضات بین‌المللی نقض حقوق بشر - ترور وحشتناک دکتر کاظم سامی و ابراز وجود و انزجار شدید مردم - تصمیم غیر منتظره وزارت کشور برای احراز قانون احزاب و دعوت مصرانه از احزاب و گروهها برای ثبت نام - برگزاری پر خرج و پر هیاهوی جشنهای دهه فجر به مناسبت دهمین سال پیروزی انقلاب.

### دستاوردهای انقلاب

انقلاب ۱۳۵۷ ایران، با گذشته تاریخی طولانی خود و با جوشش طبیعی و جهش دامنه‌داری که در اثر رهبری آقای خمینی به چنان پیروزی درخشان رسید، پدیده بی‌پایه و بیهوده‌ای نبود که بی‌دست‌آورد و آثار عظیم، سپری شدنی و فراموش شدنی باشد.

این دستاوردها هم می‌تواند مدیون رهبری و مدیریت بد و خوب دهساله متولیان انقلاب باشد، هم محصول اعمال و احوال مردم و هم برخاسته از جنبش مردمی و نقش انقلاب یا دگرگونی نسل و نژاد. اگر انقلاب از مقصد و مسیر اصلیش منحرف شده و چهره اولیه انقلاب عوض شده است این جریان نه می‌تواند بهانه برای اعراض از انقلاب و استعفای از گذشته و آینده خودمان باشد و نه دخالت ذاتی و نقش اصلی ملت ایران را نفی نماید.

در هر حال امر مسلم این است که دستاوردها و آثار انقلاب بسیار مهم و متعدد است و متعلق به ما و مؤثر روی ما و نسلهای آینده ما می‌باشد. بعضی از آنها مفید و مثبت‌اند (از نظر مملکت یا از نظر حاکمیت) برخی مخرب و مضر یا منفی هستند. بسیاری را هم باید مختلط یا دو جنبه‌ای دانست. ما در شمارش فهرست‌وار اجمالی دستاوردها از مثبت‌ها آغاز می‌نمائیم که ممکن است مختلط هم باشند.

## دستاوردهای مثبت و مختلط

- ۱- سرعت و سهولت پیروزی انقلاب و استقرار نظام در کمترین مدت، افتخاری که به حساب ایران و اسلام و رهبری انقلاب گذارده شده است.
  - ۲- اثبات قدرت عظیم مذهب در ایران و نقش نوینی که اسلام قادر به انجام آن در جهان امروزی می‌باشد. انقلاب اسلامی ایران بلافاصله بعد از پیروزی و حتی در ماههای قبل از پیروزی از مرزهای ایران و مقیاس ملی فراتر رفته توجه و تکان عظیمی در کشورهای مسلمان و متمدن و مترقی به وجود آورد. تنها در آمریکا در عرض این ده سال کتابها و مقالات و مطالعاتی که درباره اسلام از دیدگاههای گوناگون انتشار یافته است از مجموعه مطبوعات گذشته اروپا و آمریکا تجاوز کرده است.
  - ۳- احیا شدن عزت نفس و اتکا به خود و بروز استعداد و ابتکار در نسل جوان انقلابی ایران که در اثر ضرورت و احتیاج و اعمال اراده، در عملیات و تولیدات جنگی و در کارهای فنی و تعمیراتی و سازندگی ظاهر گردیده است. تحرک و تجربه انقلاب گویی نسل ایرانی یا مسلمانان تازه‌ای را به وجود آورده است که در گذشته وجود نداشته است.
  - ۴- حماسه‌های از همه نوع جنگ که در تاریخ ایران بی‌سابقه بوده است.
  - ۵- ایجاد امید و افتخار و غیرت در ملتها و اقلیتهای مسلمان و محروم جهان و احتمال حرکت‌های بعدی آنان.
  - ۶- احیای نام و مقام برای روحانیت شیعه ایران، همراه با احراز قدرت سیاسی و نظامی و حاکمیت مستقیم.
  - ۷- زدوده شدن معاصی و منهیات از چهره ایران، همراه با اجرا و احترام به احکام شرع از جمله حجاب.
  - ۸- در افتادن با امپریالیسم غرب و شکستن حیثیت آمریکای ابر قدرت، همراه با تحریک استعمارزدگان دنیا علیه آنها.
  - ۹- افزایش نسبی تولید کشاورزی در اثر احتیاج و بالا بودن نرخ ارز و امیدواری برای امکان خودکفائی آینده با صرفه‌جویی ارزی.
  - ۱۰- القای غرور ملی و دینی در برابر قدرت و شهرت سیاستهای قدیمی و قاهر خارجی.
- دستاوردهای ۴-۶-۷-۱۰ را باید دو جانبه یا مختلط تلقی کرده جهات منفی آنها را از نظر دور نداریم.
- ۱-۴) درست است که جنگ هشت ساله با عراق افتخارات معجزآسا و شواهد اعلا از شهامت و شهادت برای انقلاب اسلامی و رزمندگان ما به ظهور رسانید ولی به طوری که در بعد دستاوردهای منفی گفته خواهد شد انحرافات و ضایعات همراه با خون و خرابیهای غیر قابل جبران نیز به بار آورد.
  - ۱-۶) به لحاظ خود روحانیت البته مثبت بوده است ولی باید دید به لحاظ مملکت و ملت چه صورت داشته است و آیا اصولاً تجربه حکومت و قدرت روحانیت منجر به بدنامی و فنای روحانیت تشیع نشده است و نخواهد شد؟
  - ۱-۷) زدوده شدن معاصی و منهیات از مناظر و معابر شهرهای ما اگر روی ایمان و تقوای خود مردم و با اراده و اختیاراتشان می‌بود و یا در چهارچوب مقررات معین شده قانونی انجام می‌گرفت البته ارزش

فوق‌العاده برای خودمان و نزد خدا می‌داشت ولی وقتی از محدوده مقررات قانونی معین تصویب شده خارج شد و به تفتیش و تحمیل عقاید یا اجبار و اکراه یا از روی ترس باشد علاوه بر آنکه خلاف دستور خدا و اصل "لااکراه فی الدین" است اثر سطحی موقت معکوس داشته باعث انزجار و اعراض مردم حتی معتقدین نسبت به اسلام و دین می‌گردد و همینطور هم شده است، خصوصاً در نسل جوان.

۱-۱) غرور ملی و دینی بعد از پیروزی انقلاب در مقایسه با عقده حقارت و ضعف و خفتی که مردم مشرق زمین در اولین برخوردهای با تمدن و تسلط غرب احساس می‌کردند با اظهار خدمت و نوکری که رجال خائن به بیگانگان نشان می‌دادند کاملاً پسندیده و ارزنده است. اما به شرط آنکه اولاً از روی نادانی و دست خالی و به صورت تخاصم ضد اسلامی و ضد انسانی یا تعصب جاهلانه نباشد و ثانیاً در جهت حفظ مصالح و منافع ملت ایران و مملکت صورت گیرد و ثالثاً در تلاش اصلاح و تکمیل و تجهیز خودمان در برابر تفوق آنها برآییم.

### دستاوردهای منفی و مخرب

دستاوردهای منفی انقلاب - که بعضی از آنها ممکن است از دیدگاه متولیان و پیروان جهت مثبت و مطلوب داشته و حتی هدف باشد - کمتر از مثبت و مختلط‌های آن نیست و شرح ذیل قابل خلاصه کردن بوده امید است در تحلیل تفصیلی بعدی با توضیحات و آمار و دلایل لازم به صورت صحیحتر و دقیقتر بیان شود.

### ۱- انحراف انقلاب از اهداف و آرمان‌های اولیه

ملت ایران در سال ۱۳۵۷ مانند همه انقلابهای دنیا و مقدم بر هرچیز و هر کس به خاطر نجات و سعادت‌مندی خودش انقلاب کرده بود. یعنی اولاً برای خلاصی از ستم و سختیها و بدبختیهای استبداد ۲۵۰۰ ساله و استیلای خارجی چند قرنی و ثانیاً برای رسیدن به آرمانهای مورد نیاز و آرزوی دیرینه، از جمله آزادی ملت، استقلال مملکت و آبادی و امنیت و ترقی و بالاخره عادلانه و اسلامی بودن حکومت (با حاکمیت ملت به حکم قانون اساسی). این خواسته‌ها با تکرار و اصرار و تقریباً انحصار در شعارهای راهپیمایان قبل از پیروزی انقلاب می‌آمد و در مصاحبه‌های رهبر انقلاب در نجف و پاریس و ورود به تهران تصریح و تأیید می‌شد. در آن زمان نه ادامه رسالت انبیا و بسیج کردن ملت و دولت ایران برای صدور انقلاب و تحمیل اسلام به دنیا، مطرح و مد نظر بود و نه دشمنی خاص و برنامه براندازی بعضی از دولت‌های استکباری به سود دیگران و برای نجات مستضعفین جهان و انبوه انقلابیون عنوان می‌کردند. اما در تداوم انقلاب آرمانهای اولیه و اصلی رفته رفته فراموش و فدای آرمانهای جدید اضافی گردید که آنها را برتر و لازمتر می‌دانستند.

به لحاظ آزادی که اولین هدف و آرمان انقلاب بود، می‌بینیم که ملت ایران از آزادی و حاکمیت، آنطور که در قانون اساسی به تصریح و تفصیل آمده است محروم می‌باشد.<sup>۱</sup>

اما استقلال و سرافرازی در برابر قدرتها، درست است که برای ارائه و اثبات آن دائماً دهن کجی و دشنام نثار آمریکای جهانخوار کرده و پرچمشان را زیر پا انداخته و سوزانده‌ایم ولی در عمل و در

۱. البته بجز مأمورین و موافقین و بدون در نظر گرفتن وعده‌های لفظی که اخیراً برای ثبت نام احزاب داده شده است.

تحلیلهای سیاسی رسمی آنها را توطئه‌گر و حاضر و حاکم در همه امورمان از جمله در جنگ و صلح با عراق معرفی نموده‌اند. آمریکائیا هم هشت سال جنگ کشور برانداز را بر ما تحمیل کردند و نتوانستیم (یا نخواستیم) آنرا متوقف سازیم و هم در اثر تهدید و تصمیم و تجاوزات آنها بود که علیرغم اراده و عقیده خودمان کاسه زهر صلح را سر کشیدیم. پس از آن نیز برای اینکه عراق تجاوزگر حاضر به اجرای کامل قطعنامه و تخلیه سرزمینهای اشغالی ما بشود چشم امید و انتظارمان به عنایت شورای امنیت و الطاف کریمانه ابرقدرتها و دولتهای دیگر دوخته شده است. علاوه بر اینها همانطور که خودشان بارها گفته‌اند استقلال سیاسی و نظامی یک کشور بدون استقلال اقتصادی یعنی خودکفائی، که در اثر خرابیهای جنگ و سوء مدیریت و سقوط تولیدات داخلی بسیار ضعیفتر از سابق شده است، معنی و واقعیت ندارد. از طرف دیگر وقتی آزادی انتقاد و نظارت مردم بر کارهای دولت و پشتیبانی ملت از دولت وجود نداشته باشد همچنانکه در دورانه‌های استبداد و استعمار شاهد آن بوده‌ایم، استقلال و حاکمیت یک مملکت امر موهومی بوده پادشاهان و حکومتهای خودکامه به خاطر بقا و قدرت همیشه اجراکنندگان اوامر اربابان بیگانه می‌شوند. استقراض خارجی نیز که حالا صحبتش می‌شود قبل از انقلاب نداشتیم.

اما جمله سوم شعار اصلی انقلاب یعنی حکومت اسلامی یا جمهوری اسلامی سرنوشت درخشانتری از دو جمله دیگر نداشته است.

البته نام و نشان اسلام و جمهوری اسلامی بر همه جا و همه چیز گذارده شده است. در و دیوار ما، حالات خواب و بیدار ما و ملت و دولت ما همگی منادیان و مجریان اسلام‌اند و آیات خدا و حکم آنان تاج سر ما هستند. اما خدا خودش می‌داند تا چه اندازه حق و حقیقت یا صدق و عدالت در پندار و گفتار و کردارها وجود دارد و این ظاهرها و دعاها چه اندازه گویای «یا ایهاالذین امنوا لم تقولون ما لاتفعلون»<sup>۱</sup> هستند و آیا قاضی در اختلافات و تنازعات خدا و رسول‌اند و قرآن و سنت یا فقه و ولایت؟

**۲- پریشانی و پشیمانی اکثریت مردم از انقلاب اسلامی و رواج ناامیدی، بی تفاوتی و بیگانگی به جای نورهای امید و ایمان و موجهای وحدت و حرکت**

بنا به ضرب‌المثلی، شانس یا اقبال هر روز به در خانه آدم نمی‌زند. انقلاب و اتحاد یا جوش و خروشهای سرنوشت‌ساز نیز هر سال و هر قرن به سراغ یک ملت و مملکت نمی‌آید. انقلاب اسلامی ایران با عملکرد دهساله گردانندگان آن بزرگترین سرمایه‌های ملی و مذهبی ما را که طی قرون متمادی با افت و خیزهای متوالی برای یک قیام نجات‌بخش ایران و یک پیام سعادت‌بخش به جهان انباشته شده بود به باد داد. امید ما به خدا و ملت ایران است که خروج و عروج از این پرتگاه تیره و پست را ممکن سازد. شاید که این ابتلای عظیم مصداق "وعسی ان تکرهوا شیئا و هو خیرلکم"<sup>۲</sup> باشد و پند و تجربه یافته با بینش و نیروی بیشتر به حرکت درستتر درآییم.

**۳- ضربه کاری بر پیکر اقتصاد و تولید کشور و سختی بازگردانی و جهش بعدی آن.**

آنچه در زمینه اقتصاد بعد از انقلاب و سقوط بنیه مالی و تولیدی مملکت از دست داده‌ایم تا حدود زیادی مورد تصدیق و وحشت مطلعین و منصفین هیئت حاکمه نیز می‌باشد. احتیاج به اثبات و ارائه ارقام

---

<sup>۱</sup> آ. سوره صف آیه ۲- ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا چیزی را به زبان می‌آورید که به آن عمل نمی‌کنید.  
<sup>۲</sup> بقره آیه ۲۱۶- و چه بسا که چیزی برای شما ناگوار و ناخواسته باشد ولی به حالتان سودمند افتد.

(که انشاء الله در نشریه جامع خواهد آمد) ندارد. خیر از بزرگترین فلاکت و هلاکتی می‌دهد که فردای نزدیک مملکت را تهدید می‌نماید و طبقات کارکن و کشاورز و بی درآمد بیش از همه دچار مصیبت و مرگ خواهند شد.

#### ۴- پیامدهای جنگ هشت ساله

جنگ در همه جا و همه وقت پیامدهایی از خون و خرابی و آثار هولناکی از ناداری، بیکاری، بیماری، ناتوانیهای جسمی و روانی، فساد و فحشا، آشفتنگی و هرج و مرج، ناامنی و برادرکشی و غیر اینها به بار می‌آورد. سالهای سال و نسلهای پشت در پشت لازم است تا با همت و همکاری به شرط عشق به وطن و هموطن، با ایمان به خدا و خدمت به خلق موفق به ترمیم و جبران بشوند و اگر نشوند بر خاکستر گذشتگان، ملت و مالکیت دیگری جانشین خواهد شد یا آنکه آویخته به ریسمان کمک و اسارت بیگانگان می‌گردند.

در این جنگ تحمیلی که هم قابل پیش‌بینی و هم قابل پیش‌گیری بود اگر پس از خطای اولیه، بعد از فتح خرمشهر فرصت‌های طلایی را با لجاجت و غرور از دست نداده، صلح شرافتمندانه‌ای را پذیرفته بودند هم گرمای می‌گرفتیم که کارساز خرابیها و برنامه‌ها باشد و هم روحیه و حیثیت ملی و سرمایه معنوی خود را از دست نمی‌دادیم. اگر چه عاقبت دولتمردان با پذیرفتن قطعنامه و تن دادن به صلح به این بلای خانمان‌سوز خاتمه دادند و مانع از خرابی و نابودی بیشتر کشور شدند، ولی هرگز نخواهند توانست خود و مردم را راضی ساخته غلط از آب درآمدن ادعاها و وعده‌ها را اقرار بنمایند.

#### ۵- برگشت از اسلام و چهره زشت ایران در جهان

هر قدر در سالهای مبارزه و تدارک انقلاب و در آستانه پیروزی انقلاب افکار مردم از دین برگشته ایران، خصوصاً در نسل روشنفکر و جوان، متوجه و متمایل به اسلام - اسلام راستین و ارسته از جمود و جاهلیت - شده بود و با شور و شغف به شعار و قرآن و به خدمت و شهادت رو آورده بودند و در خارج ایران مردم دنیا، خصوصاً اروپائیان، شیفته شور و حرکت ایران و حیات و حقایق اسلام گشته بودند و به نسل رو به زوال و آلوده به تباہکاری و فساد خود امیدوار می‌دادند، برگشت انقلاب ما از آزادی و انسانیت اولیه به اجبار و قشری‌گری و به خشونت و گروه‌گرایی باعث گردید که چهره زشتی در داخل و خارج، از انقلاب و اسلام بسازند و بیش از گذشته دور مسلمان بودن و ایرانی بودن برانگیزنده تعجب و تنفر باشد. امروزه یک ایرانی مسافر یا مقیم خارج غالباً مورد اهانت و انزجار یا بی‌اعتنائی قرار می‌گیرد و ناچار است هویت ایرانی خود را مخفی بدارد. این یک واقعیت و دستاورد منفی انقلاب است که علت و ریشه آنرا بیشتر باید در رفتار و کردارهای ناهنجار جستجو کرد تا در تبلیغات دشمنان که به استناد همین ناهنجاریها انتشار داده می‌شود.

چه بسیارند مردان و زنان هم پیر و هم جوان، در میان روشنفکران و بازاریان و در صنف کارگران و روستائیان که داوطلبانه و گاهی عاشقانه رو به خدا و دین آورده بودند یا از قدیم معتقد و مقدس بوده‌اند ولی بعداً از دین برگشته‌اند. زیرا که علما را مظهر و مطلع و معرف تمام عیار اسلام می‌دانستند و وقتی عملکردهای نادرست و ناروا را با آنچه پای منبر یا در کتابهای دینی از خدا و رسول و امامان شنیده یا خوانده بودند مقایسه می‌کردند، بی‌تأمل و تحقیق و به ناروا حکم به دروغ بودن دین و آئین می‌دادند و

نعوذ بالله پیغمبر و ائمه اطهار را چون سیاست بازان زور می‌دانند... در خارج ایران نیز بر پیشانی نورانی و تشیع که می‌رفت جای شایسته خود را در دنیا باز نماید مهر خشونت و خصومت و داغ باطله تفرقه و عصبیت زده شده است.

ضربه ای که به این ترتیب به آئین پاک اسلام و آرمان ازلی بشریت وارد آمده است معلوم نیست که کمتر از زیان و خرابی‌های وارده بر ایران باشد و چه دستاویزی به دست دشمنان اسلام داده شده است. اما اگر مردم ایران و جهان با مختصری دقت و امعان بفهمند و بدانند که انقلاب اسلامی ایران با انحرافات که پیدا کرد به صورتی درآمد که اکنون نه اسلامی است و نه ایرانی، معهدا باید امیدوار بود که اشتباه و انصراف فوق جای خود را به بازگشت مجدد بدهد.

### ۶- عقب افتادن ایران از قافله بادپای علم و تمدن دنیا

در زمان ظاهراً مشعشع و تجدد مآبانه پهلوی و در مقایسه با رکود دوران قاجاریه، شتاب محسوسی در تقلید و توسعه فرهنگ و تمدن فرنگی و در تعلیم و تحقیق علوم و فنون جدید گرفته پیدا شد و شاه سابق داعیه رساندن ایران به تمدن بزرگ را - ولو با زور - داشت. معذک وقتی وضع خودمان را با برخی از وجوه دنیای معرفی و متحرک خارج مقایسه می‌کردیم می‌دیدیم که عقب افتادن ایران از قافله علم و فرهنگ و فنون، از زمان اعزام محصل به اروپا در سال ۱۳۰۶ و وضع نابسامان مملکت و ملتمان به طور نسبی بیشتر شده است و علیرغم ظواهر پیشرفت، عقبتر رفته‌ایم. حال تأسف و تأثرمان با این ده سال توقف از یک طرف، و تحرک تصاعدی خارجیان از طرف دیگر، چه باید باشد، عاقلان دانند. آیا روزی و روزگاری خواهیم توانست ولو از دور، حاضر و ناظر قافله برق‌آسای تحقیقات و اکتشافات یا اختراعات و امکانات دنیای امروز گردیم. آخر مگر در دنیای کنونی بدون مجهز شدن به این امکانات می‌توان مستقل و آزاد زیست؟

### عملکردها و سرگذشت و سرنوشت‌ها

برای بررسی اجمالی عملکرد انقلاب لازم است جنبه‌های آنرا جداگانه مورد بررسی و بحث قرار دهیم. بحث مفصل آن در نشریه‌ای که وعده آن داده شده است انشاءالله خواهد آمد. اجمالاً تلاش می‌کنیم به نکات برجسته و بارز جنبه‌های مختلف این ده سال انقلاب نگاهی بیاندازیم. امیدواریم نگاهی منصفانه و عادلانه، آنگونه که همیشه روش ما بوده است.

### جنگ

با تأیید و تکمیل آنچه در دستاوردها بیان کردیم اشاره به نکات ذیل نیز ممکن است مفید باشد. بدون تردید مهمترین واقعه این ده ساله که آثار خود را در تمام شئون کشور باقی گذارده جنگ بوده است که با تهاجم نظامی رژیم عراق به خاک ایران آغاز شد. پایمردی، دلاوری، شجاعت و شهامت و از جان گذشتگی ملت ایران دشمن را با زبونی از خاک کشور بیرون راند و بدین ترتیب پس از حدود یکصد و پنجاه سال تاریخ شکستهای جنگی متوالی، ملت ما می‌رفت تا برای اولین بار از کوره جنگی کاملاً پیروز به درآید. اما متأسفانه موفقیت‌های چشمگیر سالهای ۶۰ و ۶۱ دولتمردان و مسئولین جمهوری را به خود غره کرد. چنانکه پس از فتح خرمشهر و بیرون راندن دشمن با داعیه تصرف عراق و سرنگونی رژیم صدام و جایگزینی جمهوری اسلامی در آنجا، علیرغم مابینت با اصول و حدود اسلام و مصلحت ایران و علیرغم

تحلیل و تذکرات نهضت و دیگران به ادامه جنگ پرداختند که حاصل آن ۶ سال نبرد بی‌حاصل بود که جز خون و خرابی برای این ملت به بار نیاورد تا عاقبت مسئولین جمهوری اسلامی پس از ازدست دادن فرصتهای طلائی با تعدیل مواضع خود و برگشت از همه وعده‌ها و داعیه‌ها و با قبول قطعنامه ۵۹۸ به این مصیبت خانمان‌سوز خاتمه دادند. که این خود جای شکر دارد که کار مملکت به جای پیروزی به نابودی کامل نکشید. اینک متأسفانه به دلائل چندی منجمله موضع ضعیف دولت ایران در زمان قبول قطعنامه ۵۹۸ رژیم عراق نه تنها از گذشته عبرت نگرفته بلکه با تجهیزات و حیل‌های گوناگون بر سر راه حصول توافقنامه‌ای جهت رسیدن به یک صلح پایدار و اجرای قطعنامه ۵۹۸ نیز سنگ‌اندازی می‌کند و این در حالی است که قسمتی از خاک کشور در دست عراق است. حاصل آنکه هم اکنون وضعیت نه جنگ و نه صلح حکمفرماست که خود اثرات مخربی بر سیستم اجتماعی و اقتصادی ما دارد.

نهضت آزادی در مورد جنگ بیش از هر موضوع دیگر نشریه و نظر داده است و یک مرور کلی آنها میتواند بیانگر عملکردهای هئیت حاکمه و راهنمائیهای دلسوزان ایران و اسلام باشد.

#### اقتصاد

هر قدر بخواهیم منصفانه به مسئله اقتصاد و عملکرد اقتصادی ده ساله اخیر بنگریم، نتیجه آن جز آه و تأسف نیست. برای بیان مطلب نیازی به طول کلام و تفسیر وجود ندارد. برای درک اوضاع اقتصادی تحلیل لازم نیست. مسئله‌ای است که هر روزه - تقریباً همه کس با آن مواجه است. گرانی بیداد می‌کند و به نظر می‌رسد کسی را یارای مقابله با غول تورم نیست. شعارهای اول انقلاب که نوید می‌داد اقتصاد تک محصولی را ملغی نمایند، در عمل توفیقی نداشته و در حد همان شعار باقی مانده است و نفت همچنان رکن اساسی و حتی تنها رکن اقتصادی مملکت را تشکیل می‌دهد. جنگ و از بین رفتن بسیاری از منابع اقتصادی و مادی در طول آن و نیز بودجه عظیمی که صرف هزینه‌های جنگ می‌شد ضعف اقتصاد را تشدید نموده است آنسان که سبب شده سایر چرخهای اقتصادی از کار بیفتد و کارخانه‌های کشور به دلیل کمبود مواد اولیه یا سوء مدیریت و یا هر دو یکی پس از دیگری از گردونه تولید خارج شوند. صنایع مونتاژ ما نیز با حملات بی‌امان تندروان شبه خمرهای سرخ صدمه دیده و اکنون تولیدی ندارند. ولی همان تندروان به وارد ساختن صنایع مونتاژ ترکیه و... غیره پرداخته‌اند تا چند برابر بیشتر اموال این ملت رنجیده را به هدر دهند. شعار تغییر الگوی مصرف و حذف فرهنگ مصرفی نیز نه تنها عملاً محقق نگردید بلکه روشهای اجرا شده برای اعمال آن، منجمله طرح سهمیه‌بندی کالاهای اساسی سبب تشدید فرهنگ مصرفی در جامعه شده است و عطش مصرف را به تمامی سطوح جامعه، حتی دور افتاده‌ترین ده‌ها تسری داده و مع‌الاسف تنها پیشرفت اقتصادی را که در زمینه کشاورزی صورت گرفته تحت‌الشعاع قرار داده است. هر روز شغل‌های کاذب همچون قارچ سر از زمین به در آوردند. با این وصف بیکاری روز به روز در حال افزایش است و این در حالی است که به ادعان کارشناسان درصد رشد جمعیت با توسعه اقتصادی هماهنگی ندارد. مجموعه اینها آینده اقتصادی انقلاب و کشور را تیره و تار ساخته و چنانچه چاره‌ای جدی اندیشیده نشود، بیم بروز بحرانهای اقتصادی هرچه سهمگین‌تر می‌رود. در کنار این مشکلات طبقه و قشرهای جدید دست‌اندرکاران و دلال و سوداگری، که پا به عرصه هستی گذاشته به مکیدن خون ملت پرداخته‌اند و به

خاطر تمتع از نابسامانی سیاسی و اقتصادی مواضع قدرت خود را به سادگی از دست نخواهد داد. از سدهای عظیم دیگری هستند که فرا راه سلامت جامعه قرار گرفته‌اند.

### سیاست خارجی و صدور انقلاب

در قرن اخیر با توسعه ارتباطات و نیز ازدیاد احتیاجات مختلف بشر، ارتباط با سایرین از ضروری‌ترین نیازهای هر جامعه به شمار می‌رود. ما جزئی از جامعه جهانی هستیم و مکان و موقعیت ما را در این جامعه سیاست خارجی و روابط بین‌المللی تعیین می‌کند و شعار اصلی و اساسی این سیاست را در اول انقلاب شعار "نه شرقی، نه غربی" تشکیل می‌داد. در ابتدای پیروزی انقلاب بزعم شعارها و تدریوهایی که از سوی گروه‌های مختلف عنوان می‌شد، سیاست خارجی از انسجام خاص برخوردار بود و هدف و جهت خاص را دنبال می‌کرد. پس از دولت موقت، شاید مسئولین جمهوری اسلامی تا مدتها برداشت صحیح و دقیقی از سیاست خارجی نداشته آن را امری دست دوم تلقی می‌نمودند. جریان‌اتی همچون گروگانگیری سبب رادیکالیزه شدن جامعه شد و به تبع آن سیاست خارجی نیز تحت تأثیر چنین جریان‌اتی قرار گرفت. در نتیجه شعارهای تند و غیرواقعی، جانشین دید واقع‌بینانه لازم در زمینه سیاست خارجی شد. به علاوه تزه‌های تند نظیر ایجاد اغتشاش در سراسر منطقه و بهانه برای حفاظت از انقلاب عملاً به مورد اجرا گذاشته شد. تز صدور انقلاب از طریق تحمیل نیز جایگزین تز الگو قرار گرفتن انقلاب گردید و این خود موجب شد که حساسیت‌های شدیدی در منطقه علیه انقلاب اسلامی ایران به وجود آید. حملات بی‌امان و ناسزاگویی به همه کشورهای جهان متاع رایج گشت و مجامع بین‌المللی مورد رد و انکار واقع شدند. مجموعه عوامل فوق به اضافه خود مسئله گروگانگیری که در عرف دیپلماتیک غیرقابل قبول بود، سبب انزوای سیاسی ایران گردید. متأسفانه نه تنها کوششی در جهت کاهش آن به عمل نیامد بلکه این انزوا خود به عنوان یک ایده‌آل و مطلوب مورد تمجید و ستایش قرار گرفت و فی‌المثل گفته شد که هدف ما برقراری روابط با ملل دنیاست نه دول دنیا. نتیجه آن شد که دوستان انقلاب یا بی‌تفاوت شده و یا به جرگه دشمنان پیوستند، بی‌تفاوت‌ها و دشمنان بالقوه، دشمنان بالفعل شدند. و دشمنان بالفعل در خصومت خود جری‌تر گشتند. عدم مدیریت صحیح در وزارت خارجه نیز بر بغرنج کردن اوضاع افزوده در بحبوحه گروگانگیری و جنگ به علت اختلافات سیاسی میان رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر وقت مسند وزارت خارجی تا مدتها خالی باقی می‌ماند. انتصاب سفراء و کارداران بعضاً ناشایست و بی‌کفایت و جاهل بر پیچیدگی و مشکلات سیاست خارجی ما افزود و چه بسیار نمایندگان که برای معرفی اسلام و انقلاب اسلامی به خارج اعزام شده بودند که نه تنها از فرهنگ بلکه از زبان کشورهای میزبان نیز اطلاعی نداشته و تنها به خاطر روابط و یا برای تفرج و خرید قبول مسئولیت کرده بودند. قطع روابط با انگلستان و فرانسه نه بر سر مسائل اساسی نظیر زمان دکتر مصدق، بلکه بر سر تخلف رانندگی یک دیپلمات و یا فعالیتهای فوق برنامه!! دیپلمات دیگر صورت پذیرفت. مجموعه عوامل فوق سبب شد که سیاست خارجی در دهساله انقلاب یکی از پرنقصترین جنبه‌ها باشد. خوشبختانه طی یک سال اخیر با توجه به واقعیاتی که رخ داده است تغییرات مثبتی در امر سیاست خارجی کشور ملاحظه می‌شود که جا دارد ادامه یابد.



## آزادی و حاکمیت ملی

شعار آزادی از اساسی‌ترین و اصولی‌ترین و در عین حال جزو اولین شعارهای انقلاب بوده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز علاوه بر آنکه صراحتاً لزوم آن را مورد تأکید قرار می‌دهد، از حاکمیت ملی نیز به عنوان اساس جمهوری اسلامی یاد می‌کند. با این وجود تاریخ ده ساله انقلاب فی‌الواقع تاریخ تجدید آزادیهای سیاسی و فردی و تضعیف و افول حاکمیت ملی بوده است.

از همان دوران انقلاب و حتی پیش از آن دو نوع طرز تفکر رواج داشت. یکی طرفدار اعطای آزادی به مردم بود. این طرز تفکر، مردم و بالاخص مردم انقلاب کرده ایران را صاحب رای و عقیده می‌دانست که خود فکر می‌کنند و می‌اندیشند و قادرند مصلحت خود را تشخیص داده در سرنوشت خود تصمیم بگیرند و معتقد بود مردم فطرتی پاک و حق‌جو و حق‌طلب دارند. چنانچه محیط مساعد و مناسب باشد. (و انقلاب چنین محیطی را فراهم کرده است) این فطرت پاک رشد کرده و به بار می‌نشیند. در جریان این امر اگر چه ممکن است اشتباهاتی پدید آید و گهگاه مردم راه خطا روند ولی بالمآل اشتباهات خود را اصلاح کرده صراط مستقیم را در پیش می‌گیرند. فقط کافی است به آنها آزادی و اختیار عمل و قدرت تصمیم‌گیری داد. در نقطه مقابل، طرز تفکری دیگر، هم در میان روحانیون و هم در میان چپی‌ها و مارکسیست‌ها وجود داشت که براساس آن مردم را با صغار و مهجورین مقایسه می‌نمودند که قادر به تشخیص صلاح خویش نیستند و چنانچه ولی و راهنما نداشته باشند به حسیض نلت و بدبختی سقوط می‌کنند و لذا سیستم «دیکتاتوری صلحا» و یا دیکتاتوری پرولتاریا را برای «انقلاب» تجویز می‌کردند. در ابتدای انقلاب و در زمان دولت موقت طرز تفکر حاکم بر اداره‌کنندگان جامعه طرز تفکر اول بود. از این رو وجود آزادیهای سیاسی از مشخصات این دوران به شمار می‌رود. پس از این دوره طرز تفکر دوم را بر جامعه حکمفرما کردند و بدین ترتیب انحصار و اختناق پدیدار شد و پس از جریانات خرداد ۶۰ این طرز تفکر کاملاً حاکم گردید. تحدید آزادیهای سیاسی تنها منحصر به مخالفین نبود بلکه تدریجاً جناحهای داخلی را نیز به زیر چتر خود کشید بطوریکه استیضاح وزرا توسط مجلس نیز مورد سؤال و توبیخ قرار گرفت. در کنار این مسائل تدریجاً حاکمیت قانون نیز در جامعه تضعیف شد. تجاوزات و عدم رعایت قانون اساسی از سوی همه رده‌های حاکمیت سبب هتک حرمت این میثاق ملی گردید و به تبع آن بی‌قانونی و قانونگریزی مد روز گشت و در همه ارکان جامعه خود را نشان داد. هر چند وقت یکبار شاهد پیدا شدن مجمعی و ارکانی بر خلاف اصول قانون اساسی و یا نقض و عدم اجرای علنی قانون اساسی و سایر قوانین این کشور بودیم. آزادیهای سیاسی و فردی، قانون اساسی که تنها میثاق ملی است و حاکمیت قانون، ۳ رکن اساسی اعمال حاکمیت از سوی مردم است. با تضعیف این ۳ رکن، لاجرم حاکمیت مردم نیز خودبخود به صورت قضیه سالبه به انتفاء موضوع درآمد (بلااثر و بیخود شد) و به این ترتیب تدریجاً مردم نسبت به مسائل سیاسی و روزمره جامعه و اموری که جز به بازوی توانمندشان راه‌حلی برای آن مقصود نیست، بی‌تفاوت شده جمعی از کل انقلاب جدا شده و آن را تخطئه کردند و یا راه قهر در پیش گرفتند.

این موضوع را نیز باید اضافه کرد که در طی چند ماهه اخیر صحبت از ۲ تحول عمده است. یکی بازگشت به قانون اساسی و لغو همه ارگانها و نهادهای مخالف آن و دیگری زمزمه اعطای آزادیهای سیاسی و اجرای قانون احزاب که به اعتقاد ما تنها راه نجات کشور از مشکلات و مصائب کنونی جلب

اعتماد و ایمان و کمک مردم است که این دو بدون یک جامعه باز و آزاد که در آن قانون اساسی به مورد اجرا گذاشته بشود و قانون جاری و حاکم باشد، دست‌یافتنی نیست.

### مدیریت کشور

پس از گذشت ده سال از انقلاب اینک این سؤال مطرح است که آیا رهبری و مسئولین جمهوری اسلامی ایران معتقد و مقید به مدیریت و اصول اولیه آن بوده‌اند و توانسته‌اند مسائل مدیریت جامعه و سازمانهای اداری و اقتصادی آن را حل کنند یا برعکس این مسائل تشدید شده‌اند؟ و آیا دستگاه مدیریت کشور توانسته است ارزشها و الگوهای اصیل مدیریت اسلامی را که در روش پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) متجلی بود در عمل رعایت نماید؟

متأسفانه به نظر می‌رسد در سالهای اول بعد از انقلاب آنچه بیشتر مورد علاقه حاکمیت بوده است رسیدن به قدرت و تأمین تسلط خود بوده و آنچه کمتر مورد توجه مسئولین قرار گرفته است تأمین سلامت و امنیت و سازندگی کشور و اداره سازمانهای جامعه بر اساس موازین صحیح مدیریت بوده است. چنانکه آقای رئیس‌جمهور اخیراً طی مصاحبه‌ای پیرامون سالگرد انقلاب گفته‌اند مشکل اصلی انقلاب ما بحران مدیریت است. پیش و بعد از انقلاب شنیده می‌شد که "نظم روحانیت در بی‌نظمی است". پس از انقلاب با تسلط روحانیت به نظر می‌رسد که این بینش از چهارچوب حوزه علمیه خارج شده و به تمامی ارکان جامعه تسری پیدا کرده است. از دیگر اختصاصات سیستم مدیریت کشور در طی این سالها تأکید بر تسلط کامل بر دستگاههای اداری کشور و دفع هر مخالف و غیرموافقی به طور مستقیم و یا غیرمستقیم بود. به جای استفاده از سرمایه‌های انسانی کشور پاکسازی‌های توأم با اتهام و اخراج، محور اصلی فعالیتهای مدیران جدید بود و در شرایطی که کشور بیش از هر زمانی به نیروی متخصص نیاز داشت هزاران نفر از مدیران و متخصصان کشور از دستگاههای آموزشی و درمانی و اداری و اقتصادی رانده شدند و بعضاً کشور را ترک کردند و به جای آنها عناصر فرصت‌طلب و یا نفوذی جریانهای وابسته و ضدانقلاب به طور خرنده رخنه کرده‌اند.

علاوه بر اینها عملکرد حاکمیت نشان می‌داد که برای تخصص و تجربه و سابقه ارزش چندان قائل نبوده و مکتبی بودن و قاطع بودن را مقدم بر اینها می‌شناسند. همینطور است سلسله مراتب مدیریت و مسئولیت‌ها که مغایرت کامل با تعدد مراکز تصمیم‌گیری دارد و تفرق مسئولیت و دخالت بین اشخاص و مقامات مختلف که از ویژگیهای عادی حاکمیت نظام است.

از دیگر مسائل عمده مدیریت کشور - از قبل از انقلاب تا کنون - مسئله بوروکراسی عریض و طویل سیستم اداری است. که پس از انقلاب نه تنها بر خلاف شعارها اقدامی برای ساده کردن و تجدید آن صورت نگرفت بلکه هر روزه به قصد اعمال قدرت و انحصارگری بیشتر در شئون مختلف کشور و همچنین با پدیدار شدن ادارات جدید و تبدیل نهادی به وزارتخانه‌ای بیش از پیش گسترش یافت. به لحاظ استخدام و مشاغل دولتی نیز در حالیکه پیش از انقلاب تنها ۸۰۰۰۰۰ کارمند بودند اینک تعداد آنها به بیش از دو میلیون نفر رسیده است.

کمبود درآمد کارمندان و کارکنان دولت نیز از جمله مسائل مهم تحمیلی به جامعه ما است. به دلیل عدم

توفیق دولت در کنترل تورم و با توجه به ثابت ماندن حقوق کارمندان و یا حداقل عدم تناسب افزایش حقوق با نرخ تورم، اینک فشار عظیم اقتصادی بر این قشر وارد می‌آید که خود از عوامل رشد و توسعه فساد و ارتشاء در دستگاهها دولتی است.

خوشبختانه به نظر می‌رسد در سالهای اخیر، حداقل در حرف و شعار، به مدیریت صحیح توجه بیشتری مبذول می‌شود. چنانچه صحبت‌های برخی مسئولین در جذب متخصصین و مدیران با تجربه و کنار گذاشتن سیاست دفع و عنایت بیشتر به وضع کارمندان صورت واقع به خود بگیرد، جای امیدواری خواهد بود که در سیستم مدیریت کشور تحولات مثبتی پدید آید.

### عملکرد ملت ایران

تا اینجا عملکرد ده ساله انقلاب مورد بررسی قرار گرفت که بیشتر متوجه دولتیان و دولتمردان بود. جا دارد عملکرد ملت و برخورد ایشان با قضایای چند ساله نیز مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. ملت عزیز و شریف ایران قدمهای مثبت بسیاری برداشته است. مهمترین آن همان شرکت همه جانبه در انقلاب و یگانگی و یکپارچگی اولیه و وحدت کلمه و احساس مسئولیت در قبال جریانات بود که به سقوط نظام استبدادی منتهی گردید. سپس ملت ایران در جریان جنگ تحمیلی به جهانیان نشان داد که از روحیاتی قوی و برتر و از رشادت و شهامتی بی‌نظیر برخوردار است و اگر چنین شهامت و رشادت نبود معلوم نیست که سرنوشت ایران چه می‌شد. اما در مقابل این دو عملکرد مثبت دو عملکرد منفی نیز به وقوع پیوسته است. یکی از آنها بی‌توجهی و بی‌عنایتی گروهی به مذهب و اعتقادات مذهبی است که در بحث دستاوردها به آن اشاره شد. عملکرد منفی دوم قشرهایی از مردم ایران آن بود که پس از انقلاب، آن را تمام شده تلقی کرده در جهت حفظ و صیانت ارزشها اهتمامی به خرج ندادند. در مقابل حذف آزادیهای سیاسی سکوت پیشه کرد و اینک برای احقاق حق مسلم خود، یعنی اعمال حاکمیت مردم، دم فرو بسته، سر در لاک خویش فرو برده و گهگاه به غر زدن یا لعن و نفرین و تخطئه کردن عملی بسنده می‌کنند. عده‌ای نیز بریده از ایمان و ملیت و انقلاب به دامان بیگانگان پناه برده دل به ایشان بسته‌اند.

ملت ایران باید بداند که تغییر و تحول در جامعه تنها با تغییر و تحول اجزاء آن ممکن و میسر است که ان‌الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم.

### نتیجه

بطور خلاصه باید گفت انقلاب با همه مصائب و مشکلاتی که داشته و دارد، انقلابی اصیل و به راستی مردمی بوده که از بطن ملت جوشیده در طول سالیان متمادی در تمام سطوح و قشرهای جامعه ریشه دوانیده و عاقبت با قیام همگانی و عمومی همه ملت به بار نشست و تحول عظیم تاریخی که به اذعان بسیاری یکی از بزرگترین پدیده‌های قرن حاضر می‌باشد برای ایران و اسلام و جهان به وجود آورد.

انقلاب اسلامی ایران به مفهوم واقعی کلمه "انقلاب" بود چرا که بسیاری از نهادها و معیارهای گذشته را در هم کوبید، نهادها و سیستم ارزشی نوینی را با خود به ارمغان آورد و مانند همه انقلابهای دنیا با

مسائل و مشکلاتی که نتیجه طبیعی چنین تحول تاریخی عظیمی است مواجه گشت و نظیر آنان از شعارها و اهداف اولیه خود انحراف پیدا نمود و از این رو سبب دلسردی قشرهایی از ملت گشت اما این مسائل و مصائب نباید سبب گردد ملت شریف ایران خود را به کلی از جریانات کنار کشیده و نسبت به احقاق حقوق حقه خود و نیز تعدیل و تصحیح انحراف بی تفاوت گردد. چرا که دگرذیسی از جامعه و فرهنگی استبدادی به جامعه و فرهنگی دمکراتیک اسلامی یک فرآیند بطئی، طولانی و دردناک است که جز با صبر و تلاش و توکل و با همیاری و همکاری یعنی مشارکت همگانی عمل نخواهد شد.

### **پوزشخواهی**

متأسفانه با همه کوششی که بعمل آمد به سبب کمبود امکانات ناشی از تضییقات جاری در مورد نهضت، میسر نشد که این "خلاصه" پیرامون عملکرد دهساله انقلاب تا ۲۲ بهمن آماده گردد. ان شاء الله به خواست پروردگار در آینده نزدیک مباحث مطروحه در بالا به صورت مفصلتر و کاملتر تهیه و منتشر خواهد شد.

به امید خدا و با سلام به زندگان و درود به رفتگان

۵ اسفند ۱۳۶۷ ( بجای ۲۲ بهمن ۶۷ )

نهضت آزادی ایران